

آمران قتلها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران

1	مقدمه
3	پورمحمدی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال 1988
7	پور محمدی و قتل های زنجیره ای سال 1998
9	محسنی اژه ای: از تفتیش عقاید تا وزیر اطلاعات
11	نتیجه گیری
12	پیوست

مقدمه

ایرانیان در ژوئن 2005 محمود احمدی نژاد که با شعار بهبود وضعیت اقتصادی مردم به صحنه انتخابات آمده بود رابه عنوان رییس جمهوری انتخاب کردند. او در اوائل ماه اگوست پست جدید خود را با پشتیبانی بخشی از جامعه سیاسی که قویا مخالف اصلاحات سیاسی و اجتماعی بودند و پیش از آن توسط خاتمی آغاز شده بود، تحویل گرفت. این گرایش همراه با مواضعی که احمدی نژاد هنگام مبارزات انتخاباتی گرفت موجب نگرانی های جدی فعالان جامعه ایرانی و مدافعان حقوق بشر شد که پس از به قدرت رسیدن او افزایش یافته است.

این نگرانی ها هنگامی افزایش پیدا کرد که در چهاردهم اگوست 2005 احمدی نژاد کابینه خود را به مجلس ایران معرفی کرد. معرفی کاندیداهایی با سوابق امنیتی و اطلاعاتی، هراس از اینکه دولت جدید سرکوب سختگیرانه تری را در مقابل منتقدان و مخالفان خود اتخاذ کند افزایش داده است.

به خصوص انتخاب مصطفی پورمحمدی برای وزارتخانه قدرتمند کشور و غلامحسین محسنی اژه ای به سمت وزارت اطلاعات در این میان بسیار نگران کننده میباشد. در ایران وزارت اطلاعات مسئولیت و کارکردهای امنیتی – اطلاعاتی بسیاری دارد. این گزارش مختصر به اظهارات معتبر وجدی ای می پردازد که تاکید می کند دو وزیر یاد شده در برخی از جدی ترین اقدامات منظم علیه حقوق بشرکه توسط مسئولین جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته انجام شده است، نقش داشته اند.

مصطفی پور محمدی در سال 1988 نماینده وزارت اطلاعات در هیات سه نفره ای بوده است که در آن دستور اعدام هزاران نفر از زندانیان سیاسی صادر شده است. این کشتار سیستماتیک و برنامه دار، برطبق قوانین بین المللی حقوق بشر، جنایت علیه بشریت است. علاوه بر این، به عنوان معاون و قائم مقام صاحب نفوذ وزارت اطلاعات در سال 1998، او مظنون به دادن دستور قتل چندین نویسنده و روشنفکر دگراندیش توسط مسئولین وزارت اطلاعات است. به علاوه هنگامی که پور محمدی رئیس اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات را به عهده داشت مامورین تحت امر او چندین مخالف جمهوری اسلامی را در خارج از کشور به قتل رساندند. مصطفی پورمحمدی همچنین طی سالهای (1979-1986) دادستان دادگاه انقلاب و دادستان دادگاه انقلاب نظامی در بخش های غربی کشور (1986) بوده است.¹

غلامحسین محسنی اژه ای به عنوان یکی از بلند پایه ترین اعضای قوه قضاییه، در طی شش سال گذشته یکی از چهره های رهبری کننده سرکوب آزادی بیان بوده است. محسنی اژه ای نیز، طی سالهای (1986-1988 و 1991-1994) نماینده قوه قضاییه در وزارت اطلاعات، مسئول دادرسی امور اقتصادی (1989-1990)، دادستان ویژه دادگاه روحانیت (1995-1996)، دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت (از سال 1996 تا کنون) و رییس مجتمع قضایی کارکنان دولت (1997-2002) بوده است.²

او همچنین به عنوان دادستان دادگاه ویژه روحانیت در پیگرد و بازجویی از چندین روحانی اصلاح طلب نقش داشته است. او هدایتگر دادگاه سیاسی غلامحسین کرباسچی شهردار پیشین تهران بود که نقش مهمی در مبارزات انتخاباتی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری داشت. محسنی اژه ای همچنین مظنون به دستور قتل پیروز دوانی ناراضی و فعال سیاسی ایرانی است که براساس اظهارات در سال 1998 توسط ماموران وزارت اطلاعات ربوده و سپس به قتل رسید.

همچنان که دولت جدید احمدی نژاد موقعیت خود را استحکام می بخشد، توجه به سوء پیشینه این دو وزیر کابینه ضروری می باشد. از زمان به دست گرفتن قدرت، دولت جدید نیت خود بر ادامه سرکوب گسترده علیه نویسندگان منتقد و فعالان را مورد تاکید دوباره قرار داده است. در اثنای دو ماه گذشته، وزارت اطلاعات حداقل 10 روزنامه نگار و سرریز روزنامه را احضار کرده و به آنها هشدار داده است که از انتقاد از دولت جدید پرهیز کنند.³ مامورین قوه قضاییه و وزارت اطلاعات عبدالفتاح سلطانی، یکی از موسسین کانون مستقل مدافعان حقوق بشر را در 30 جولای دستگیر و بدون هیچ اتهامی او را غالباً در سلول انفرادی نگهداری کرده اند.

در مصاحبه هایی که با سازمان دیده بان حقوق بشر انجام شده است، بسیاری از فعالان و روزنامه نگاران نگرانی جدی خود را بیان کرده اند و گفته اند زندگی شان با توجه به سوابق مستند قتل های

¹ "سوابق وزرای پیشنهادی"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 14 اگوست 2005.
www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-568867

² همان.

³ "آغاز فصلی سرد برای روزنامه نگاران ایران"، گزارشگران بدون مرز، 23 نوامبر 2005.
http://www.rsf.org/article.php3?id_article=15690

سیاسی که بر اساس اظهارات تحت هدایت پور محمدی و محسنی اژه ای رخ داده، در معرض خطر است.⁴

از زمان در اختیار گرفتن وزارت کشور در ماه آگوست، پور محمدی تعداد بسیار زیادی از ماموران امنیتی- اطلاعاتی را به سمت های حساس گماشته است. همچنین وی بسیاری از استانداران استان های کشور را نیز از میان فرماندهان سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کار گمارده است. سپاه پاسداران به عنوان قدرتمندترین نیروهای نظامی در ایران در بسیاری از فعالیت های سیستماتیک نقض حقوق بشر از جمله در اختیار داشتن زندان های مخفی و بازداشتگاه های غیرقانونی مشارکت داشته است. قائم مقام پورمحمدی در وزارت کشور، محمد باقر ذوالقدر است که تا پیش از به دست گرفتن سمت جدید در 25 نوامبر قائم مقام سپاه پاسداران بوده است.⁵

پورمحمدی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال 1988

در سال 1988، دولت ایرانی به صورت غیر قضایی هزاران زندانی سیاسی را که در زندان های ایرانی نگهداری می شدند به قتل رساند. دولت هیچگاه انجام این قتل ها را به عهده نگرفته و یا اطلاعاتی را مبنی بر اینکه این زندانیان چگونه کشته شده اند فراهم نکرده است. اکثریت قریب به اتفاق افراد اعدام شده کسانی بودن که بعد از دادگاه های غیر عادلانه به خاطر فعالیت های سیاسی شان حکم قطعی از دادگاه گرفته بودند. اگر چه حکمی که گرفته بودند اعدام نبود. این اعدام های غیرقضایی که به صورت آگاهانه و تعمدی و از روی برنامه از پیش تعیین شده صورت گرفته، بر طبق قوانین بین المللی "جنایت علیه بشریت" است.

در 18 جولای 1988، ایران قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل را برای آتش بس جنگ هشت ساله بین این کشور و عراق را پذیرفت. در 24 جولای، بزرگترین گروه مخالف مسلح ایرانی، سازمان مجاهدین خلق ایران، که از سال 1986 در عراق فعالیت می کرد، برای براندازی دولت اقدام به حمله به ایران کرد. اگرچه این عملیات نظامی به راحتی توسط نیروهای ایرانی دفع شد، اما دستاویزی برای مقامات ایرانی فراهم کردتا بسیاری از مخالفان سیاسی از جمله مجاهدین را که سالها پیش از آن دستگیر و محکوم شده بودند را به صورت فیزیکی حذف کنند.

به جهت فقدان هرگونه تایید و یا اعتراف به این کشتار زندانیان در سال 1988، مهمترین و معتبرترین منبع در خصوص این حوادث خاطرات آیت الله حسینی منتظری به شمار می رود که

⁴ برای این گزارش دیده بان حقوق بشر با دوازده روزنامه نگار، فعالان اجتماعی و سیاسی و برخی مسئولین پیشین دولت در داخل و خارج کشور مصاحبه کرده ست. همه آنها خواسته اند که به خاطر نگرانی برای امنیتشان ناشناس باقی بمانند.

⁵ "با حکم وزیر کشور: سردار ذوالقدر قائم مقام وزارت کشور شد"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 25 نوامبر 2005.

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-620346>

در آن زمان به عنوان قائم مقام رهبری بلندپایه ترین مقام بعد از رهبر مذهبی ایران، آیت الله خمینی به شمار می رفت.

بر طبق خاطرات آیت الله منتظری، دولت در هرزندان یک هیات سه نفری را تشکیل داد تا برای اعدام زندانیان تصمیم گیری کنند.⁶ وظیفه این هیات این بود که با زندانیان سیاسی مصاحبه کنند و کسانی را که از رفتار خود پشیمان نیستند را اعدام کنند. این هیات که به "هیات مرگ" شهرت یافت شامل یک داستان، یک قاضی و یک نماینده وزارت اطلاعات بود. مصطفی پورمحمدی نماینده وزارت اطلاعات در هیات مزبور در زندان بدنام اوین بود. براساس نامه اعتراض آمیزی که توسط آیت الله منتظری به آیت الله خمینی در 4 اگوست سال 1988 نوشته شده است: "نقش اساسی را همه جا مسئول اطلاعات دارد و دیگران عملاً تحت تاثیر میباشند."⁷

سپس آیت الله منتظری اتفاقاتی را که منجر به قتل عام زندانیان شد برمی شمرد:

نامه ای از امام گرفتند که افرادی از منافقین که از سابق در زندانها هستند طبق تشخیص دادستان و قاضی و نماینده اطلاعات هر منطقه، با رای اکثریت آنان اگر تشخیص دادند که آنها سر موضع هستند اعدام شوند، یعنی این سه نفر اگر دو نفر از آنها نظرشان این بود که فلان فرد سر موضع است ولو اینکه به یک سال یا دو سال یا پنج سال یا بیشتر محکوم شده باید اعدام میشد.⁸

آیت الله منتظری جزییات بیشتری از این روند که به سرعت انجام شده را شرح می دهد:

بالاخره مدتی ملاقاتهای زندانیان را تعطیل کردند و بر حسب گفته متصدیان با استناد به این نامه حدود دو هزار و هشتصد یا سه هزار و هشتصد نفر زندانی - تردید از من است- از زن و مرد را در کشور اعدام کردند، حتی افرادی که نماز میخواندند، روزه میگرفتند، طرف را می آوردند و به او میگفتند بگو غلط کردم، او هم به شخصیتش بر می خورد نمیگفت، می گفتند پس تو سر موضع هستی و او را اعدام میکردند!⁹

در نامه چهارم اگوست 1988 آیت الله منتظری به آیت الله خمینی وی به ارائه نمونه ای از روند بازجویی زندانیان و تعیین سرنوشت آنان می پردازد و می نویسد:

سه روز قبل قاضی شرع یکی از استانهای کشور که مرد قابل اعتمادی میباشد با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان حضرتعالی به قم آمده بود و میگفت: مسئول اطلاعات یا دادستان - تردید از من است- از یکی از

⁶ خاطرات آیت الله منتظری، جلد اول صفحه 623، <http://www.amontazeri.com> آخرین دسترسی به سایت 8 سپتامبر 2005.

⁷ همان منبع صفحه 633

⁸ همان منبع صفحه 623

⁹ همان منبع صفحه 628

زندانیان برای تشخیص اینکه سر موضع است یا نه پرسید: تو حاضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ گفت آری، پرسید حاضری مصاحبه کنی؟ گفت آری، پرسید حاضری برای جنگ عراق به جبهه بروی؟ گفت آری، پرسید حاضری روی مین بروی؟ گفت مگر همه مردم حاضرند روی مین بروند! وانگهی از من تازه مسلمان شده نباید تا این حد انتظار داشت، گفت معلوم میشود تو هنوز سر موضعی و با او معامله سر موضع انجام داد و این قاضی شرع میگفت من هر چه اصرار کردم پس ملاک اتفاق آرا باشد نه اکثریت، پذیرفته نشد.¹⁰

آیت الله منتظری مصطفی پورمحمدی را به عنوان نماینده وزارت اطلاعات در هیات زندان اوین معرفی می کند و معتقد است او نقش مهمی در قتل عام زندانیان تهران ایفا کرد. او دیدار خود با پورمحمدی و دیگر اعضای هیات زندان اوین را چنین شرح می دهد:

این نامه دوم من راجع به این موضوع بود؛ بعد من دیدم آنها دارند کارشان را ادامه میدهند، اول محرم شد من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پور محمدی که نماینده اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدامها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: "ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده ایم کلک اینها را هم بکنیم بعد هر چه شما بفرمایید...!"¹¹

آیت الله منتظری در یادداشتی خطاب به پورمحمدی و دیگر اعضای هیات اوین به تاریخ 15 آگوست 1988 مینویسد:

این گونه قتل عام بدون محاکمه، آن هم نسبت به زندانی و اسیر قطعا در دراز مدت به نفع آنهاست و دنیا ما را محکوم می کند و آنان را بیشتر به مبارزه مسلحانه تشویق میکند.¹²

سازمان عفو بین الملل در سال 1990 در گزارشی در خصوص کشتار جمعی زندان در سال 1988، می نویسد:

اعدام زندانیان سیاسی که در اقصی نقاط ایران انجام شده است اغلب در نقاطی بوده که بسیار از محل حمله دور بوده است. این اعدام ها اغلب

¹⁰ همان منبع صفحه 633

¹¹ همان منبع صفحه 635

¹² همان منبع صفحه 635

شامل زندانیان سیاسی از جمله تعداد نامعلومی زندانیان عقیدتی که پیش از آن سالها در زندان به سر می برده اند بوده است. آنها نمی توانستند هیچ نقشی در حمله یاد شده داشته باشند. آنها در موقعیتی نبوده اند که بتوانند نقش جاسوس را ایفا کنند و در عملیات تروریستی نقش ایفا کنند. بسیاری از آنان پیش از آن محاکمه و به مدت های مختلفی به حبس در سالهای آغازین دهه هشتاد محکوم شده بودند، بسیاری از آنها فعالیت های غیرخسونت امیز از جمله پخش روزنامه و یا اعلامیه داشته اند، در تظاهرات شرکت کرده و یا برای خانواده های زندانیان پول جمع آوری می کردند. بسیاری از اعدامیان در زمان دستگیری دانشجویان یا دانش آموز و در سنین نوجوانی یا جوانی بوده اند. اکثریت قربانیان اعدام هواداران سازمان مجاهدین ایران بوده اند ولی صدها عضو و هوادار گروه های سیاسی دیگر از جمله سازمان فداییان خلق ایران (جناحهای مختلف)، حزب توده، حزب دموکرات کردستان ایران، راه کارگر و دیگران نیز بوده اند.¹³

آیت الله منتظری با استناد به مقاماتی که در انجام این اعدام ها مسئولیت داشته اند تعداد اعدام شدگان را 2800 یا 3800 نفر اعلام می کند، ولی میگوید "تردید از من است." فعالان ایرانی، نام 4481 زندانی سیاسی را که به گفته آنان در آن زمان اعدام شده اند را منتشر کرده اند.¹⁴ از آنجایی که دولت ایران از اعلام لیست کامل افراد اعدام شده و یا حتی تصدیق و قبول اعدام ها سرباز می زند، ابعاد و گستردگی این قتل عام هنوز نامعلوم و ناشناخته است.

خانواده های زندانیان اعدام شده به صورت مکرر به دولت نامه نوشته اند و از دولت خواسته اند تعداد زندانیان اعدام شده و محل دفن آنها را خوستار شده اند. در ژانویه 2003، آنها همچنین در نامه ای به کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل، مری رابینسون و رییس گروه کاری بازداشتیهای خودسرانه سازمان ملل، لویی ژوانه نامه ای نوشتند و کمک آنها را برای مشخص کردن حقایق اعدام زندانیان سیاسی خواستار شدند.¹⁵ بر طبق اظهارات خانواده های برخی از این زندانیان اعدام شده، جسد بسیاری از آنها به صورت بی نشان در گورهای دسته جمعی و فردی در منطقه خاوران تهران به خاک سپرده شده است. این خانواده ها اغلب برای یادبود بستگان اعدام شده خود در خاوران گرد هم می آیند.¹⁶

خانواده برخی از زندانیان اعدام شده به سازمان دیده بان حقوق بشر گفتند که در سپتامبر 2005 دولت جدید شروع به تغییر شکل این منطقه در خاوران کرده و سنگ قبرهایی را که توسط خانواده ها در آنجا گذاشته شده بود را ویران کرده است. آنها گفتند که دولت در حال تغییر شکل و نابود کردن محل یاد شده برای از بین بردن هر نوع مدرکی از محل خاک سپاری افراد یاد شده است.

¹³ "ایران نقض حقوق بشر بین سالهای 1987-1990"، سازمان عفو بین الملل، ایندکس MDE 13/2/90

¹⁴ لیست زندانیان اعدام شد در آدرس <http://www.asre-nou.net> قابل دسترسی است. آخرین دسترسی 24 اکتبر 2005.

¹⁵ متن این سه نامه در آدرس زیر قابل دسترسی است. آخرین دسترسی 24 اکتبر 2005

http://www.bidaran.com/article.php3?id_article=25

¹⁶ اطلاعات مربوط به خاوران در سایت زیر قابل دسترسی است. آخرین دسترسی 24

اکتبر 2005 http://www.bidaran.com/rubrique.php3?id_rubrique=132005

پور محمدی و قتل های زنجیره ای سال 1998

مصطفی پورمحمدی در سال 1998 زمانی که مامورین وزارت اطلاعات پنج روشنفکر و فعال سیاسی برجسته ایرانی را به قتل رساندند، معاون وزیر اطلاعات بوده است:

- داریوش و پروانه فروهر در 22 نوامبر در منزل خود در تهران به قتل رسیدند
- مجید شریف در 20 نوامبر ناپدید شد و جسدش 25 نوامبر در خیابانی در تهران یافته شد
- محمد مختاری در تاریخ 3 دسامبر ناپدید و جسدش در 9 دسامبر پیدا شد
- جعفر پوپنده در تاریخ 9 دسامبر ناپدید و جسدش در 13 دسامبر در حومه شهر تهران یافته شد.

داریوش و پروانه فروهر از فعالان پرسابقه سیاسی و رهبران حزب ملت ایران از سال 1951 به این سو بوده اند. شریف، مختاری و پوپنده به عنوان نویسندگان و روزنامه نگاران دیدش شناخته شده بودند.

این قتل عام در ایران به "قتل های زنجیره ای" شهرت دارد. به دلیل فشار رییس جمهوری وقت محمد خاتمی، در 5 ژانویه 1999 وزارت اطلاعات قبول کرد که مامورین این وزارت در طراحی این قتل ها دست داشته اند. در نتیجه این تصدیق، مقامات ایرانی، 18 نفر را دستگیر و آنها را به دست داشتن در این قتل ها متهم کردند. در 20 ژوئن 1999 دادستان مجتمع قضایی نیروهای مسلح اعلام کرد که مغز متفکر پشت این قتل ها یکی از مسئولین عالی رتبه وزارت اطلاعات به نام سعید امامی است و امامی نیز در حبس خودکشی کرده است.

سازمان دیده بان حقوق بشر، با چندین روزنامه نگار و فعالان حقوق بشر در ایران مصاحبه کرده است. آنها در این خصوص اظهار داشته اند، مسئولیت قتل های زنجیره ای مقامات عالی رتبه دیگر این وزارت خانه را نیز در برمی گیرد. اکبر گنجی خبرنگار برجسته به صورت گسترده ای در این خصوص نوشته است.¹⁷ در خصوص این اظهارات، ناصر قوامی، رییس سابق کمیته قضایی مجلس ششم، گفت: "متأسفانه این پرونده از ابتدا مسیر طبیعی را نپیمود و ریشه یابی نشد و کسانی که فرمان قتل ها را صادر کرده بودند، هیچ گاه معلوم نشدند و به جرم آنها رسیدگی نشد و تا وقتی به این پرونده ها رسیدگی نشود، اتفاقات ناگوار این چنینی احتمال دارد که باز هم تکرار شود."¹⁸

در نوامبر سال 2000، داوود سلیمانی عضو دیگر مجلس ایران، به اینکه امران قتل های زنجیره ای دور از دسترس تحقیقات قضایی بودند اعتراض کرد. او گفت: "همیشه موضوع امران و عاملان پرونده در هاله ای از ابهام بوده اند و این موضوع افکار عمومی را راضی نکرده است لذا با نوید رییس قوه قضاییه باید امران و عاملان محاکمه شوند تا ضریب امنیتی جامعه بالا رود و در نتیجه کسی به خود اجازه ندهد قانون شکنی کرده و دست خود را به جنایت آلوده کند."¹⁹

¹⁷ نگاه کنید به اکبر گنجی، تاریخخانه اشباح و عالی جناب سرخپوش. گنجی به شش سال زندان محکوم و از آوریل سال 2000 به خاطر نوشته هایش زندانی شد. او هنوز زندانی است.

¹⁸ "بازخوانی تاریخی پرونده قتل های زنجیره ای"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 20 نوامبر، 2004.

www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-457431

¹⁹ همان.

کمیسیون اصل نود مجلس، طبق ماده ای از قانون اساسی ایران که به پارلمان قدرت می دهد که از همه بخش های قوای سه گانه تحقیق و تفحص کند، در اگوست سال 2000 تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد اما قادر نشد تا آن را کامل کند.²⁰ مطابق گفته حسین انصاری راد، رییس این کمیته گفت: " ما در رسیدگی به این پرونده به اشخاصی رسیدیم که قدرت برخورد با آنها را نداشتیم، بنابراین پرونده مسکوت ماند."²¹ او افزود: " حسب قراین و شواهدی که تاکنون در روزنامه ها منتشر شده و بعضی از علایم و شواهدی که وجود دارد و نمی توان از آن گذشت، پرونده از يك پیچیدگی خاصی برخوردار است و بیش از متهمانی که رسماً اتهام به آنان وارد شده و یا افرادی که مستقیماً مباشر این حادثه بوده اند، حسب نقدهای بسیار، احتمال دخالت و دست داشتن افراد دیگر از بیرون و به عناوین مختلف در این پرونده وجود دارد."²²

یک منبع با آگاهی دست اول از تحقیقات کمیسیون اصل نود به سازمان دیده بان حقوق بشر گفت: " تحقیق کنندگان از درگیر بودن پورمحمدی در پرونده حکایت می کردند. حتی نزدیک بود قرار توقیف وی نیز صادر شود. اما به جای آن ترتیبی داده شد تا او پست خود را در وزارت اطلاعات ترک کند."²³ یکی دیگر از منابع موثق، که خواسته ناشناس بماند، این موضوع را نزد سازمان دیده بان حقوق بشر تصدیق کرده است که تحقیقات بر نقش پورمحمدی در این پرونده دلالت می کند. سازمان دیده بان حقوق بشر در تاریخ 28 اکتبر سال 2005 نامه ای به مصطفی پورمحمدی نوشت و از او درخواست کرد نسبت به این اظهارات پاسخ بدهد. تا 8 دسامبر 2005 دیده بان حقوق بشر هیچ جوابی را در این خصوص دریافت نکرد.

کشتار مخالفان دولت محدود به موارد یاد شده در داخل ایران نبوده است. از سال 1990 تا 1999، پورمحمدی همچنین رییس بخش امنیت خارجی وزارت اطلاعات بوده است. در این زمان، دهها چهره سیاسی مخالف در خارج از کشور به قتل رسیده اند. در برخی از این موارد مانند قتل شاهپور بختیار، نخست وزیر پیشین ایران و کشتار سه رهبر کرد در استوران میکونوس در آلمان، دست داشتن دولت ایران کاملاً محرز و مسلم است و در دیگر موارد اظهارات معتبر و موثقی در خصوص دست داشتن دولت ایران وجود دارد.²⁴

برخی از اعضای مجلس از کاندیداتوری پورمحمدی (برای تصدی وزارت کشور) به عنوان یک عنصر تندرو و خطرناک انتقاد کردند. هنگام اخذ رای اعتماد برای وزراء، عماد افروغ، نماینده محافظه کار، به نامزدی پورمحمدی به خاطر سوابقش در سمت های اطلاعاتی و امنیتی مخالفت

²⁰ ماده 90 قانون اساسی ایران: " هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند."

²¹ "بازخوانی تاریخی پرونده قتل های زنجیره ای"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 20 نوامبر، 2004،

www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-457431

²² همان.

²³ مصاحبه دیده بان حقوق بشر، 12 سپتامبر 2005. این شخص درخواست کرده است به دلیل نگرانیهای امنیتی و دوری از خطر

ناشناس باقی بماند.

²⁴ "ایران: دادگاه میکونوس شواهد بیشتری را از سیاست دولتی ایران برای کشتار غیرقانونی فراهم می کند"، سازمان عفو بین الملل، 10

آوریل 1997، ایندکس MDE 13/015/1997.

"ایران: عفو بین الملل نگران امکان نقش دولت ایران در قتل شهروندان ایرانی"، عفو بین الملل، 28 فوریه 1996،

ایندکس MDE 13/007/1996.

کرد. وی گفت: " وزیر کشور باید فهم عمیق از حقوق شهروندی داشته باشد، اگر ایشان برداشت یکسویه از حقوق شهروندی داشته باشند، جامعه را دچار چالش میکند."

افروغ با ارجاع دادن سخنان خود به نقش سرکوبگرانه پورمحمدی در شورش های شهری در سال 1992 پرسید: "ایشان چطور می خواهد با این نیروهای گریز از مرکز مقابله کند؟ من یادم نرفته که در سال 72 جنبشهای شهری را در شیراز، مشهد، مبارکه، چگونه قلع و قمع کردند و به خاک و خون کشیدند، چون سهمی نداشتند."²⁵ او در ادامه سخنانش گفت:

ایشان رئیس اطلاعات خارجی، معاون و جانشین وزرات اطلاعات و مدت سه سال و نیم جانشین یکی از وزرای شناخته شده بودند و از جایی آمده اند که عادت کرده است که در یک سنگر حساس ایفای نقش کند، یک شاکله و سبقه و جوهره ای پیدا کرده است و اینها عادت کرده اند که نبینند و نشوند و یا دیگران را وادار کنند که نبینند و نشوند، در حالی که ماهیت وزارت کشور به گونه ای است که باید دید و شنید، چرا باید ریسک کرد. عزیزان اتفاقاتی که در سالهای گذشته در این وزارتخانه رخ داد والله با حقوق انسانی و الهی شهروندی موجه و قابل دفاع نیست، و هم اکنون سوال می کنم با مرتکبین آن قتل ها چه برخوردی شد؟²⁶

در همان جلسه در مجلس، الیاس نادران، دیگر عضو محافظه کار مجلس به تصدی پورمحمدی بر بخش خارجی وزارت اطلاعات مقارن با کشتار جمعی از مخالفان سیاسی حکومت در خارج از کشور اشاره کرد. او گفت: "با انتصاب یک عنصر اطلاعاتی در رأس وزارت کشور، چالشهای بیرونی نظام تشدید شده... تصور کنید روابط با کشورهایی که پرونده هایی علیه ما دارند به شکلی باشد که وقتی وزیر کشور در آنجا حضور پیدا می کند به بهانه آن اتهامات او را دستگیر کنند."²⁷

محسنی اژه ای: از تفتیش عقاید تا وزیر اطلاعات

غلامحسین محسنی اژه ای، وزیر جدید اطلاعات یکی از چهره های کلیدی اصلی پیگرد و بازجویی از روحانیون اصلاح طلب و سیاستمداران و همچنین سرکوب آزادی مطبوعات در ایران در ظرفیت های مختلف قضایی که داشته بوده است. در ژانویه 1999، او از حمله قوه قضاییه علیه مطبوعات خبر داد که به دنبال آن بیش از 100 روزنامه و نشریه توقیف شدند:

لحنی که در روزنامه توس به کار گرفته شده جریانهای مختلف و مردم را علیه نظام و امنیت کشور تحریک کرده و اگر این جرایم در دادگاه به اثبات برسد،

²⁵ "بررسی رای اعتماد به وزیر پیشنهادی کشور"، خبرگزاری کار، 24 اگوست 2005،

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=225685&code1=11>

²⁶ همان.

²⁷ "بهای مخالفت با جنجالی ترین چهره دولت احمدی نژاد"، بی بی سی فارسی، 24 اگوست 2005،

www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/08/050824_mf_afrough.shtml

عوامل آن محارب هستند و تکلیف محارب را نیز قانون بروشنی مشخص کرده است... من به عنوان رییس مجتمع قضایی ویژه اعلام میکنم چنانچه نشریات معاند به هشدار دوم مقام رهبری توجه نکنند، ما بنا به تکلیف خود با جدیت، چه در قالب دادگاههای عمومی و چه در قالب دادگاههای انقلاب قاطعانه با آنها برخورد کرده و تعرض به مبانی اسلام و انقلاب و امنیت کشور را تحمل نمی‌کنیم.²⁸

در ششم جولای 1999، روزنامه سلام نامه دولتی که توسط سعید امامی، مامور امنیتی که طبق اظهارات یاد شده مغز متفکر قتل‌های زنجیره‌ای بود، را منتشر کرد. در این نامه امامی از برنامه سرکوب مطبوعات اصلاح طلب خبر داده بود. محسنی اژه‌ای به عنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت، روز بعد از آن دستور توقیف روزنامه سلام را صادر کرد. کیفرخواستی علیه مدیر مسئول روزنامه سلام، حجت الاسلام سید محمد موسوی خویینی‌ها ارائه کرد، کسی که تنها چند هفته بعد توسط دادگاه ویژه روحانیت به جرم تهمت به مامور دولت و نشر اکاذیب و توهین آمیز مجرم شناخته شد.²⁹

محسنی اژه‌ای همچنین به عنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت، هدایت بازجویی روحانیون کلیدی اصلاح طلب مانند عبدالله نوری و محسن کدیور را به عهده داشت. در ماه مارس 1999، دادگاه ویژه روحانیت محسن کدیور، محقق شیعه شناخته شده اصلاح طلب را براساس سخنرانی او که در آن به محرک‌ها و علت‌هایی که به قتل‌های زنجیره‌ای اشاره کرده بود، به تشویش اذهان عمومی متهم کرد. دادگاه همچنین او را متهم به "تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی" کرد، آن هم براساس مصاحبه‌ای که در آن کدیور گفته بود که برخی از ساختار نظام شاهی دست نخورده باقی مانده است. دادگاه او را با این دو اتهام به یک سال و نیم زندان محکوم کرد.³⁰ در نوامبر 1999، دادگاه ویژه روحانیت، عبدالله نوری وزیر سابق کشور و مدیرمسئول روزنامه خرداد را به این جرم که روزنامه مقالاتی را برای بدنام کردن نظام و اشاعه اکاذیب و تبلیغ علیه دولت منتشر کرده است به 5 سال زندان محکوم کرد.³¹

چندین روزنامه نگار و فعال اظهار داشته‌اند که محسنی اژه‌ای دستور قتل پیروز دوانی، دگراندیش و فعال سیاسی را صادر کرده است که بنا براین اظهارات در سال 1998 توسط مامورین وزارت اطلاعات ربوده و کشته شد. جسد دوانی هیچ‌گاه پیدا نشد. اکبر گنجی محسنی اژه‌ای را به قتل پیروز دوانی متهم کرده است.³² عبدالله نوری و عمادالدین باقی روزنامه نگار، اتهام‌های مشابهی را علیه محسنی اژه‌ای ابراز داشته‌اند.³³ یک منبع موثق ایرانی به دیده بان حقوق بشر گفته است که او اطلاعات دست اول و دقیقی در خصوص وجود نامه‌ای که توسط محسنی اژه‌ای برای قتل پیروز دوانی صادر شده است، دارد. او به دلیل مسائل امنیتی درخواست کرده که ناشناس بماند.

²⁸ روزنامه خرداد، 16 ژانویه 1999، نقل شده از کتاب تاریخخانه اشباح، صفحه 32.

²⁹ "بورش به روزنامه‌های مستقل در ایران تشدید شده است"، دیده بان حقوق بشر، 28 جولای 1999.

³⁰ محسن کدیور، بهای آزادی، نشر نی، تهران، 2000.

³¹ عبدالله نوری، شوکران اصلاح، نشر نو، تهران، 1999.

³² "فراخوان برای پایان مصونیت قاتلان و کسانی که پشت قتل‌های زنجیره‌ای روشن‌فکران و روزنامه‌نگاران بوده‌اند"، گزارشگران

بدون مرز، 21 نوامبر 2003، http://www.rsf.org/article.php?id_article=8580

³³ "ضربه به دستگاه اطلاعاتی"، روزنامه آن لاین روز، 15 اگوست 2005، <http://roozonline.com/02article/009392.shtml>

در ماه ژوئن سال 1998، محسنی اژه ای ریاست دادگاه شهردار سابق تهران غلامحسین کرباسچی را به عهده داشت. کرباسچی به عنوان شهردار تهران نقش فعالی در پیکار انتخاباتی ریاست جمهوری برای سید محمد خاتمی در سال 1997 داشت. تعدادی از معاونین کرباسچی نیز دستگیر شدند و کرباسچی گفت که آنها برای بدست آوردن اقرار و اینکه او را متهم کنند، شکنجه شده اند.³⁴ در جریان دادگاه کرباسچی کرارا از محسنی اژه ای خواست تا در خصوص شکنجه و بد رفتاری و فشار و تهدید تحقیق کند. اما درخواست او نادیده گرفته شد. دادگاه کرباسچی را به سه سال زندان و محرومیت از داشتن سمت دولتی تا 10 سال محروم کرد.³⁵

همچنین در 23 ماه می 2004، محسنی اژه ای به عنوان نماینده قوه قضاییه در کمیته نظارت بر مطبوعات، در اتفاقی حیرت برانگیز به روزنامه نگار شناخته شده اصلاح طلب، عیسی سحرخیز در اثنای جلسه حمله کرد و او را گاز گرفت.³⁶

نتیجه گیری

اظهاراتی که در این گزارش خلاصه آمده است، به شدت جدی است و دولت ایران می بایستی تحقیقاتی وسیع، بی طرف و مستقل را به منظور بررسی عملکرد دو وزیر یاد شده، انجام دهد. از آنجا که این اظهارات معتبر و در برگیرنده جرایمی بسیار مهم و خطرناک است، رییس جمهوری محمود احمدی نژاد باید مصطفی پورمحمدی و محسنی اژه ای را از سمت وزارت کشور و وزارت اطلاعات برکنار کند تا زمانی که نتایج این تحقیقات روشن شود. نتیجه این تحقیقات باید به اطلاع افکار عمومی برسد. اگر این اتهام ها به اثبات برسد افراد یاد شده باید در چارچوب حدود قانونی و روند قضایی مطابق استانداردهای بین المللی مورد محاکمه قرار گرفته و به مجازات برسند.

مصطفی پورمحمدی، بر اساس اظهارات یاد شده به عنوان یکی از مقاماتی که دستور قتل عام زندانیان سیاسی در سال 1988 را صادر کرده است، متهم به شرکت فعالانه در جنایت بر علیه بشریت می باشد. جنایت بر علیه بشریت برای اولین بار در منشور دادگاه نورنبرگ به عنوان جنایاتی تعریف شده اند "که ابعاد و اندازه بیرحمی و وحشیگری آن و یا تعداد وسیع آن و یا بر مبنای برنامه ریزی مشابه به عمل گذاشته اند... موجب خطر برای جامعه بین المللی شده اند و یا به صورت تکانه دهنده ای وجدان بشریت را آزرده اند."³⁷ اخیراً جنایت بر علیه بشریت در تعدادی از میثاقهای بین المللی و مقررات رم برای دادگاه بین المللی جنایی تعریف شده است.³⁸

³⁴ متن دادگاه غلامحسین کرباسچی، محاکمه و دفاع، فرهنگ و اندیشه، تهران، 1998.

³⁵ همان.

³⁶ "محسنی اژه ای سحر خیز را گاز گرفت"، بی بی سی فارسی، 24 می 2004،

www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/05/040524_mf_fight.shtml

³⁷ تاریخ کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل و تدوین قوانین جنگ، 1943، صفحه 179، از سخنان رادنی کورت، "جنایات علیه بشریت" در توضیحی بر

صفحه 123 (1999) Rome Statute of the International Criminal Court (O. Triffterer, ed.)

³⁸ Rome Statute of the International Criminal Court, 2187 U.N.T.S. 3, entered into force July 1, 2002. Also see Rodney Dixon, "Crimes against humanity," in Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court (O. Triffterer, ed.) (1999), p. 122.

اگر رئیس جمهوری محمود احمدی نژاد فوراً پورمحمدی و محسنی اژه ای را از مسئولیت های حال حاضرشان برکنار نکند و دستور تحقیقات مستقلی برای رسیدگی به اتهامات سنگینی که متوجه این دو شخص می باشد را ندهد، مجلس باید رای عدم اعتماد به این دو وزیر را صادر و خود به ایجاد کمیسیون تحقیق مستقل در این زمینه اقدام کند.³⁹

چنین تحقیقات مستقلی باید با هدف شناسایی تمامی کسانی که طبق اظهارات یاد شده مسئول جنایات ذکر شده هستند انجام شود و نقش آنها را مشخص کند. استاندارهای بین المللی حقوق بشر به خصوص "اصول پیشگیری موثر و تحقیقات در زمینه اعدام های غیرقضایی، خودسرانه و سریع" (مراجعه کنید به پیوست) راهبردی برای چگونگی انجام چنین تحقیقاتی برای بررسی مهمترین اتهامات وارده به پورمحمدی و محسنی اژه ای - شرکت در کشتار غیر قضایی، خودسرانه و سریع- ارائه می دهند.

قوه قضائیه ایران خود در بسیاری از موارد نقض حقوق بشر که در این گزارش خلاصه به آنها اشاره شده است درگیر می باشد و در عمل نشان داده است که توانایی انجام تحقیقات بیطرفانه در این موارد را ندارد.

امروزه بحران شدید گریز از عدالت و عدم پاسخگویی در بالاترین سطوح گریبانگیر دولت ایران شده است. سایه گسترده این بحران، بطور جدی مشروعیت و اعتبار دولت جدید را در میان ایرانیان و در سطح جامعه بین المللی به زیر علامت سوال برده است. تحقیقات مستقل و معتبر برای تایین اینکه این دو وزیر در جنایات ذکر شده چه نقشی ایفا کرده اند ضرورتی بسیار فوری و مبرم در راستای برخورد با این بحران می باشد.

پیوست

بر گرفته از "اصول پیشگیری موثر و تحقیقات اعدام های غیرقضایی، خودسرانه و سریع" که توسط قطعنامه 1989/65 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در 24 مه 1989 توصیه شده است.

اصل 9 شیوه انجام تحقیق و بررسی در این زمینه را چنین عنوان می کند:

کلیه موارد مشکوک به اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و سریع باید تحت بررسی کامل، فوری و بی طرفانه قرار گیرد. این موارد مشکوک از جمله شامل شکوائیه بستگان و یا گزارش های موثق درباره مرگ غیرطبیعی تحت شرایط فوق الذکر می شود. حکومت ها باید دارای دفاتر

این استاندارد به ماده 7 مقررات رم برای دادگاه بین المللی جنایی بکار بسته میشود. ایران یکی از امضا کنندگان این مقررات نیست و موظف به آن نیست. ولی تعریف ماده 7 مطابق مفهوم جنایت بر علیه بشریت در قوانین عرفی بین المللی می باشد.³⁹ مجلس تا کنون سه کاندیدای نامزد شده توسط رییس جمهوری احمدی نژاد را برای وزارت نفت رد کرده است.

پیگیری و آیین های دادرسی برای رسیدگی به چنین مواردی باشند. هدف از این رسیدگی تعیین علت، شیوه و زمان مرگ، یافتن فرد مسئول و نیز شناسایی هر گونه طرح برنامه ریزی شده و یا عملی که به مرگ منجر شده است می باشد. این بررسی شامل کالبد شکافی لازمه، جمع آوری و تحلیل کلیه شواهد ملموس و مستند و نیز بیانیه های شهود می باشد. این بررسی همچنین باید بین مرگ طبیعی، مرگ اتفاقی، خودکشی و قتل تمایز قائل شود.

اصل 11 تصریح می کند:

در کلیه مواردی که بدلایلی نظیر فقدان تخصص و بیطرفی، اهمیت موضوع و یا وجود روند آزار و سوء استفاده، آیین های دادرسی و تحقیقاتی جاری کافی نیستند و یا در مواردی که خانواده قربانیان از این نقص ها و یا از هر موضوع ملموس دیگری شکایت دارند، حکومت ها باید با بهره گیری از یک کمیسیون رسیدگی بی طرف و یا گام های مشابه دیگری اقدام به پیگیری و تحقیق نمایند.

اصل 19 تصریح می کند:

ضمن ملاحظه اصل سوم در بالا، دستور مقام مافوق و یا یک قدرت دولتی نمی تواند به عنوان توجیهی برای اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع مورد استناد قرار گیرد. افراد مافوق و یا سایر مقام های دولتی میتوانند مسئول اعمال زبردستان خود قلمداد می شوند که امکان مستدلی برای پیشگیری از ارتکاب این اعمال داشته اند. متهمین به دخالت در اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع تحت هیچ شرایطی حتی موقعیت جنگی، محاصره و یا هر نوع وضعیت اضطراری عمومی دیگری نباید مورد مصونیت از تعقیب قانونی قرار گیرند.⁴⁰

اصل 8 از طریق اقداماتی نظیر حضور و دخالت های دیپلماتیک، به مکانیسمهای بین دولتها و قضایی و نیز تقبیح عمومی، یک بعد بین دولتی و یا بین المللی برای اینگونه تحقیقات و نیز تلاش هایی که برای پیشگیری از اعدام های غیرقضایی، خودسرانه و سریع انجام می شوند، فراهم نموده است.

سازوکارهای بین دولتها باید برای بررسی گزارش های مربوط به هر یک از این نوع اعدام ها و نیز برداشتن گام هایی موثر برای جلوگیری از این اعمال بکار گرفته شوند.

⁴⁰ اصل 3 خاطر نشان می کند: "دولت ها باید صدور فرامین مقام های مافوق و دولتی را که به سایرین اجازه و یا انگیزه لازم برای انجام اعدام های غیرقانونی، خودسرانه و یا سریع را می دهند، ممنوع نمایند. کلیه اشخاص باید محق و موظف به مخالفت با اینگونه دستورات باشند. در آموزش مقام های مجری قانون باید بر موارد مذکور تاکید شود."